خارج فقه جلسه 16 - مسح تدریجی یا دفعی – 02/08/1401

موضوع: (مسح تدریجی یا دفعی - روایت مطلقه در این زمینه و آیا صلاحیت تقیید دارد یا نه؟ - مسح بر حائل)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مسئله سی و سوم: آیا جایز است کل کف دست روی پا گذاشته شود و یک‌باره مسح بشود یا نه؟ به بیان دیگر: آیا واجب است مسح تدریجی باشد یا دفعتاً؟ مرحوم سید در عروه می‌فرماید مسح پاها به‌تدریج واجب نیست و لذا جایز است دفعتاً کشیده بشود به مقداری که مسح صدق کند و اطلاق ادله وجوب مسح بین مسح تدریجی و دفعتاً فرقی نمی‌گذارد.

اما عمده اشکال صحیحه بزنطی است که در مورد کیفیت مسح پاها وارد شده است که آیا صلاحیت دارد این صحیحه اطلاق دلیل وجوب مسح را قید بزند یا نه؟

متن روایت: وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد: عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: سألته عن المسح على القدمين كيف هو؟ فوضع كفه على الأصابع فمسحها إلى الكعبين إلى ظاهر القدم، فقلت: جعلت فداك لو أن رجلا قال بأصبعين من أصابعه هكذا فقال لا إلا بكفيه (بكفه) كلها.[[1]](#footnote-1)

تقریب استدلال: ظاهر این روایت وجوب مسح تدریجی و عدم کفایت مسح دفعی است چون امام علیه السلام دستان مبارک را روی انگشتان پا گذاشتند و تا بالا کشیدند می‌فهمیم که امام مسح را دفعتاً قبول ندارند لذا این صحیحه اطلاقات ادله را قید می‌زند.

استاد: این صحیحه صلاحیت تقیید را ندارد از سه جهت:

جهت اول: صحیحه بزنطی نظر به بیان مقدار عرض و پهنای مسح پا دارد و اشاره‌ای به طول ندارد و تدریجی یا دفعی مربوط به طول است نه عرض و شاهدش این است که راوی پرسید اگر مردی با دو انگشت مسح بکشد کافی است یا نه؟ حضرت فرمودند نه و این سؤال و جواب شاهد است که امام علیه السلام در مقام بیان مسح عرض بودند.

جهت دوم: این صحیحه بزنطی معارض دارد و آن روایاتی است که مسح مدبرا یعنی از بالا به سمت نوک انگشتان را جایز می‌داند لذا آنچه برای حل این تعارض می‌گوییم این است که ائمه علیهم السلام در مقام بیان توسعه دامنه مسح هستند که از بالا به پایین هم می‌شود کشید.

وجه معارضه: اگر صحیحه بزنطی ظهور در تدریجی باشد نشان می‌دهد که مسح مدبرا جایز نباشد درحالی‌که روایات جواز نکس و مدبرا صحیحه اند لذا هیچ دلیلی بر ترک أحد الطرفین نیست و لذا صحیحه بزنطی ربطی به بحث ما ندارد.

جهت سوم: مشهور فقها از صحیحه بزنطی اعراض کردند مثل صاحب مفتاح الکرامه.[[2]](#footnote-2)

اما وجه اعراض این است: که این صحیحه دلالت بر استیعاب می‌کند یعنی تمامی کف دست بر روی تمامی پشت پا قرار بگیرد درحالی‌که فقها مسمای مسح را کافی می‌دانند لذا روایت را حمل بر استحباب در استیعاب کرده‌اند.

مسئله سی و سوم: آیا مسح بر حائل جایز است یا نه؟ حائل مثل جوراب و کفش.

اقسام حائل: یا یکی است و یا متعدد است و درصورتی‌که امکان برداشتن حائل وجود ندارد علت آن:

اولاً: به خاطر تقیه است که در اینجا دو قول است: قول اول نفی خلاف شده که فتوای به جواز بر مسح به حائل کردند و قول دوم فتوای به عدم جواز دادند مثل کتاب المعتبر و مرحوم خویی ره.

ثانیاً: یا هوا سرد است.

اما روایات در این زمینه:

متن روایت: محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن حماد ابن عثمان، عن محمد بن النعمان، عن أبي الورد، قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام، إن أبا ظبيان حدثني أنه رأى عليا عليه السلام أراق الماء ثم مسح على الخفين فقال: كذب أبو ظبيان أما بلغك قول علي عليه السلام: فيكم سبق الكتاب الخفين، فقلت: فهل فيهما رخصة؟ فقال: لا، إلا من عدو تتقيه، أو ثلج تخاف على رجليك.[[3]](#footnote-3)

... گفتم آیا در مسح روی کفش رخصتی هست فرمودند خیر الا دو‌ مورد یکی تقیه از دشمن و دوم پاها را از ترس برف حفظ بکنی. در اینجا دلالت حدیث تام است چون حفظ کردن از دشمن عام است که هم می‌شود دشمن، اهل سنت باشد که تقیه می‌باشد و هم در صحنه جنگ می‌تواند باشد لذا چون این روایت عام است می‌توان گفت یکی از مصداق‌های ضرورت تقیه است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۲۹۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. مفتاح الکرامة ج ۱ ص ۲۵۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۱ ص ۳۲۲ [↑](#footnote-ref-3)